گفت‌وگوی «جوان» با مادر و همسر جهادگر شهید محمد بلباسی یکی از ۱۳ شهید مازندران در کربلای خان‌طومان

پاداش خدمت به محرومان چیزی جز شهادت نیست

■ زینب محمودی عالمی

شهید محمد بلباسی به واسطه مسئولیتی که پیشتر در بسیج سازندگی سپاه مازندران داشت، ارتباط بسیاری با بسیجیان و جهادگران برقرار کرده بود و با تعداد قابل توجهی از اصحاب رسانه نیز دوست و رفیق بود. برای گفت‌وگو با خانواده شهید بلباسی که از شهدای ۱۷اردیبهشت ۹۵ کربلای خان‌طومان به شمار می‌رود، با روابط عمومی سپاه کربلای مازندران هماهنگ شدیم و مسیر قائمشهر را در پیش گرفتیم. تمام شهر پر شده بود از بنر عکس شهید بلباسی و این تصاویر راهنمای ما شدند تا از کوچه پس کوچه‌های قائمشهر عبور کردیم و به منزل شهید رسیدیم. همسر و سه نازدانه شهید به استقبال‌مان آمدند و در فضای معنوی خانه که آرامشی چون یک زیارتگاه داشت، گفت‌وگوی ما با محبوبه بلباسی همسر شهید بلباسی شکل گرفت. شیرزنی که چشم انتظار تولد فرزند چهارمش است و در عین حال به دلیل عدم رجعت پیکر شهید محمد بلباسی، انتظار آمدن پدر و فرزند را توأمان می‌کشد. در ادامه نیز با هاجر عباسی مادر شهید گفت‌وگو کردیم.

با شهید نسبت فامیلی داشتید؟ از وصلت‌تان بگویید.

من و همسرم نسبت دور فامیلی داریم. من متولد سال ۶۵ هستم و همسرم متولد۵۸ بود. با نسبت فامیلی و آشنایی‌هایی که وجود داشت، یک هفته بعد از خواستگاری عقد کردیم. سال ۸۰ عقدمان بود و سال ۸۲ عروسی کردیم. از شهید چهار یادگار دارم که فرزند آخری تو راهی است و پدرش او را ندید، فرزند بزرگ‌ترم فاطمه ۱۰ ساله است، حسن ۸ ساله و مهدی ۶ ساله.

اعزام همسرتان به دفاع از حرم داوطلبانه بود؟

بله، به صورت داوطلب به سوریه اعزام شد. برای اولین بار ۱۶ فروردین رفته بود و یک ماه بعد ۱۷اردیبهشت در خان‌طومان سوریه به همراه ۱۲ تن از یارانش به خیل عظمای شهادت نائل آمدند.

چطور با سه بچه قد و نیم قد راضی به رفتنش شدید؟

همسرم خصوصیات اخلاقی که داشت اطرافیان می‌گفتند قیافه‌اش شبیه شهداست. می‌گفت اگر من شهید نشوم اینگونه که همه می‌گویند آبرویم می‌رود! عشقی که او به شهادت داشت مانع می‌شد بگویم ما را تنها نگذار. اما انتظار داشتم این دفعه برگردد.

تمام این سال‌هایی که زیر یک سقف با همسرتان زندگی کردید اخلاقش چگونه بود که لایق شهادت شد؟

محمد شخصیت آرام، صبور و باحوصله‌ای داشت. همه خوبی‌ها را با هم داشت و در عین حال که فوق‌العاده مؤمن بود، خیلی به‌روز بود. آدمی نبود که در مسئله مذهبی تند باشد. همیشه آرامش داشت. هیچ گاه در کاری اجبار نداشت. ۱۵ سال که با او زندگی کردم صدای بلند همسرم را نشنیدم.

راجع به شهادتش حرفی می‌زد؟

بعضی اوقات حلالیت می‌خواست. می‌گفت نگران نباشید همه چیز امن و امان است. وقتی در سوریه بود از وضعیت آنجا می‌پرسیدم و می‌گفت: آخرش شهادت است. مهم عاقبت به خیری است. من هم می‌گفتم زودتر برگرد و آنجا نمان. عید امسال که راهیان نور جنوب بودیم چون محمد خادم‌الشهدا بود، قبل و بعد از عید جنوب بودیم و برای شهدای مدافع حرم کلیپ می‌گذاشت و می‌گفت دعا کنید سال بعد عکس من هم کنار شهدا باشد. مطمئن بودم همسرم شهید می‌شود، اهداف بلندی داشت اما اینکه این قدر زود شهید شود تصور نمی‌کردم.

آخرین خداحافظی با همسفر زندگی‌تان چطور رقم خورد؟

اواسط فروردین ۹۵ ساعت ۱۰ شب تماس گرفتند گفتند امشب حاضرید به سوریه اعزام شوید، محمد رو کرد به من و گفت بروم؟ گفتم شما از شهدا خواسته بودی بروی سوریه و از بی‌بی‌جان زینب(س) دفاع کنید، بروید و خدا پشت و پناهتان، ساعت ۲ بامداد با بچه‌ها خداحافظی کرد و رفت. چون مأموریت زیاد می‌رفت و از طرفی تلویزیون مدافعان حرم را نشان می‌داد، بچه‌ها با این قضایا آشنا بودند و چیزی نگفتند، محمدم گفت هر اتفاقی که برایم افتاد دوست دارم مثل کوه قوی باشی. هر چیزی شد و اتفاقی برایت افتاد آرام باش، در آخرین لحظات گفتم آیت‌الکرسی برایم بخوان، من پنج ماهه باردارم، همسرم آدم با اعتقادی بود می‌گفت زمان جنگ رزمندگان می‌رفتند همسران‌شان با فرزندان تنها می‌شدند. به خدا خیلی اعتقاد داشت، می‌گفت خدا بنده‌هایش را تنها نمی‌گذارد و کمکت می‌کند.

چه چیزی باعث شده حاج محمد، همسر و چهار فرزندش را رها کند و از بین چندین میلیون شیعه برای دفاع از حرم راهی سوریه شود؟

هر کسی که شهید می‌شود پیشینه‌ای از قبل دارد. تیرهایی که رها می‌شود حساب و کتاب دارد، شاید هر کسی لیاقت شهادت نداشته باشد. محمدم کلی زحمت کشید تا شهادت نصیبش شد.

بچه‌ها در نبود پدرشان بی‌قراری نمی‌کنند؟ چطور آرامشان می‌کنید؟

چون الان دور و برشان شلوغ است، هنوز متوجه نیستند. پسر کوچکم می‌گوید بابایی کی برمی‌گردد؟ گفتم بابا پیش خدا رفت. زمانی که بچه گریه می‌کند و می‌گوید من بابام را می‌خوام هیچ چیز جز پدر برایش معنا ندارد. این چیزهایی است که اغلب خانواده شهدا با آن مواجه هستند.

گویا شهید بلباسی به طور جدی در امور خیریه شرکت داشت؟

حاج محمد به همراه دوستانش صندوق امام زمان (عج) داشتند که فقط برای فقرا پول جمع می‌کردند. سبد کالا می‌گرفتند و بین ۸۰ خانواده تقسیم می‌کردند. چند سال پیش زمستان، استان مازندران و خیلی از استان‌های کشور گاز قطع شده بود. هر کسی به فکر خودش بود. خانه ما هم خیلی سرد بود حتی بخاری نداشتیم. اما همسرم به شهرهای دیگر می‌رفت، نان و چراغ می‌خرید و به خانواده‌ها می‌داد، هر چیزی پیش می‌آمد مثل زلزله ورزقان و تبریز سریع گروه جهادی و عمرانی به راه می‌انداخت و برای سیل‌زده‌ها و زلزله‌زدگان مسکن می‌ساختند. این همه زحمت کشید. همین طور نیست کسی شهادت نصیبش شود (ناز پرورده تنعم راه به جایی نبرد) کسی که به دنبال مسائل دنیوی باشد، شهید نمی‌شود. خودم و خانواده‌های شهدایی که آشنایی دارم چیزی کم نداشتیم. کسانی هستند که کلی سرمایه داشتند اما همه چیز را رها کردند و شهادت را انتخاب کردند. به محمدم می‌گفتم شغل دوم بگیر، می‌گفت کسی که شغل دوم می‌گیرد حلال نیست. با چنین اخلاقی که محمد داشت می‌گویم کسانی که به مدافعان حرم طعنه می‌زنند با تکفیری‌ها یکی هستند مگر پول در مقابل جان قابل مقایسه است.

پیش آمده که حضور شهید را در زندگی روزمره‌تان ببینید؟

چند روز پیش دختری با تیپ امروزی به منزل‌مان آمد و گفت من از شهر دیگری آمده‌ام. خیلی گریه می‌کرد. پرسید به سر و وضعم می‌آید خواب شهدا را ببینم؟ شهید بلباسی به بلبا معروف بود، آن خانم گفت مردی را در خواب دیدم که خودش را بلبا معرفی می‌کرد و گفت من هنوز شهید نیستم، هنوز کار دارم. دخترک می‌گفت نمی‌دانم چه سنخیتی با شهید داشتم که خوابش را دیدم و بعد از آن سعی می‌کنم محجبه شوم.

سخن پایانی؟

زمانی که محمد سوریه بود و با او حرف می‌زدم سعی می‌کرد دلداری‌ام بدهد و می‌گفت سوریه امن و امان است. اما خودش لابه‌لای حرف‌هایش می‌گفت: اگر اتفاقی افتاد نگران نشوید به یاد حضرت زینب(س) و حضرت زهرا(س) باشید. حالا که شهید شده، حضرت زینب(س) قلبم را آرام کرد.

هاجر عباسی مادر شهید

حاج‌خانم شما هم از پسرتان بگویید که خود را فدایی اهل بیت کرد.

من شش تا فرزند دارم که سه پسر و سه دخترند. محمد چهارمین فرزند و اولین پسرم بود. جمعه ۱۹ اسفند سال ۵۷ به دنیا آمد و روز جمعه ۱۷ اردیبهشت ۹۵ در ۳۸ سالگی به شهادت رسید. محمد از کودکی اخلاقش بیست بود. بچه مؤدب و منظمی بود. خیلی به نظافت اهمیت می‌داد. خیلی با نماز عجین بود. از کودکی بچه نابغه‌ای بود. مهندسی ریخته‌گری خوانده بود و از دانشگاه که آمد رفت سربازی و به پدرش گفت می‌خواهم راه شهدا و عموی شهیدم را ادامه دهم. الحمدلله راه شهدا را ادامه داد و جای عموی شهیدش را پر کرد. پسرم به اردوی جهادی زیاد می‌رفت. مدام مأموریت بود. دلشوره داشتم که شهید شود، یک روز گفت من می‌خواهم به سوریه بروم گفتم اینقدر مأموریت نرو خانمت تنهاست کمی پیش زن و بچه‌ات باش بعد برو.

به عروسم گفتم شما نگذار محمد به سوریه برود. تمام خرید خانه و مدرسه بچه‌ها با شماست. همان شب خوابی دیدم و صبح به او زنگ زدم. گفتم من پشیمانم هر جا می‌خواهی بروی به سلامت. شب خواب دیده بودم شهیدی آوردند من به او سلام دادم. چند روز بعدش روزه بودم و وضو گرفتم نماز بخوانم که محمد زنگ زد و گفت من تهران هستم. می‌روم مأموریت. گفتم سه روز است از مأموریت آمدی کجا می‌روی؟ گفت دعا کن شهید شوم. گفتم شما زنده باشید مثل شما محمدها باید باشند، گفت آره مامان راست می‌گویی اگر صلاح باشد شهید شوم شهید می‌شوم.

فکر می‌کردید که روزی محمد به شهادت برسد؟ گویا در خانواده از قبل شهید داشتید.

پسرم خیلی مهربان بود خیلی به من احترام می‌گذاشت. ولایتی بود. عاشق حضرت آقا بود. رهبر انقلاب وقتی سخنرانی می‌کرد بچه‌ها را ساکت می‌کرد تا سخنان رهبر را خوب گوش کند. امر به معروف می‌کرد خیلی به حجاب اهمیت می‌داد، خدا چیزی به من داد که قابلش نبودم، برادرم علی عباسی اوایل انقلاب شهید شد. شاگرد خیاطی بود و ۲۰ سال بیشتر سن نداشت که توسط منافقان در درگیری آمل شهید شد، برادرشوهرم سردار علیرضا بلباسی فرمانده سپاه بود که سال ۶۴ در عملیات والفجر ۸ به شهادت رسید.

آخرین وداع با پسرتان چگونه گذشت؟

کمی قبل از شهادتش ساعت ۱۲ نیمه شب تماس گرفت و احوالپرسی کرد. گفت من خوبم و احوال بچه‌هایش را پرسید این آخرین خداحافظی ما بود. دوشب بعد به شهادت رسید. پسر دیگرم غروب آمد خانه گفت مامان خبر داری شهر خان‌طومان را گرفتند. تو را خدا دعا کن داداش چیزی نشود. دخترم غروب زنگ زد مامان امشب می‌آیم خانه شما، من چیزی به روی‌شان نیاوردم. به دخترم گفتم فاطمه راست بگو محمد چی شده؟ برادرت رسول اینطور گفته. شما اینطور می‌گویی. پرسیدم محمد زخمی شده. پسرم شهید شده؟ از آنجا حرکت کردم و به منزل محمد آمدم، دیدم عروسم برای شهادت همسرش نماز شکر می‌خواند. به محمدم گفتم به خونت قسم صبری بده تا من و عروسم دشمن شاد نشویم. الحمدلله که خدا صبر داد.

وقتی خبر شهادت پسرتان را شنیدید چه حس و حالی داشتید؟

ناراحت نیستم که پیکر پسر شهیدم را نیاوردند. نه نذر کردم و نه دعا کردم که حتماً برگردد. همین که پیش حضرت زهرا(س) و حضرت زینب(س) است خیالم راحت است. وقتی خبر شهادت محمدم را شنیدم گفتم مگر فرزندم از امام حسین(ع) بالاتر است؟ اینکه چرا جسم او در سرزمین غریب توی بیابان‌ها مانده اوایل گریه می‌کردم اما الان حضرت زینب(س) قلبم را آرام کرد.

گفت‌وگو

فخرالدین صدیق شریف در گفت‌وگو با «جوان»:

دفاع از حرم در امتداد دفاع مقدس است

■ مصطفی قهرمانی

بازیگر فیلم سینمایی «اخراجی‌ها» با بیان اینکه مدافعان حرم با الهام گرفتن از شهدای هشت سال دفاع مقدس به جنگ با داعش می‌روند، گفت: مدافعان حرم برای دفاع از حرم حضرت زینب(س) و ملت ایران به سوریه می‌روند و تلاش و مجاهدت‌شان ارزش والایی دارد.

فخرالدین صدیق شریف بازیگر سینما و تلویزیون در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به ارزش والای شهدای مدافع حرم گفت: اعزام مدافعان حرم به سوریه برای مقابله با داعش یکی از بحث‌های اصلی این روزهای کشورمان محسوب می‌شود؛ تا چندی پیش برخی معتقد بودند تا زمانی که مرزهای داخلی کشورمان در مقابل داعش در امان هستند، نیازی به اعزام مدافعان حرم به سوریه نیست اما اکنون همگان به این درک رسیده‌اند که حریم ما یک حریم کلی است و اهدافی که مدافعان حرم طی می‌کنند، دفاع از حرم حضرت زینب(س) و دفاع از ایران است؛ بدون شک پیشروی تکفیری‌ها می‌تواند برای کشورمان ایران خطرناک باشد.

وی در ادامه با بیان اینکه یکی از اهداف مدافعان حرم، استحکام‌بخشی به مرزهای کشورمان و مصون ماندن از خطر تکفیری‌ها و داعش است، ابراز داشت: مدافعان حرم جان خود را فدای ما می‌کنند تا خطری امنیت داخلی کشورمان را بر هم نزند و تعدادی در این راه به مقام والای شهادت نائل می‌شوند و بنده معتقدم که شهدای مدافع حرم ارزش والایی همچون شهدای دفاع مقدس نزد پروردگارشان دارند و دفاع در سوریه در امتداد دفاع مقدس قرار دارد.

بازیگر فیلم «آخرین پرواز» در ادامه با اشاره به مظلومیت شهدای مدافع حرم افزود: طبیعتاً رزمندگانی که به خاطر حفظ امنیت در ایران، دست به جهاد در مقابل تکفیری‌های ملعون زده‌اند منزلت زیادی دارند و از آنجایی که در کشوری بیگانه شهید می‌شوند، مظلوم‌تر هستند.

صدیق شریف، جبهه سوریه را یکی از سنگرهای اصلی جبهه مقاومت اسلامی دانست و گفت: سوریه خط مقدم ماست و اگر این سنگر به دست دشمن بیفتد، سنگر بعدی در ایران است و اینجاست که ارزش والای شهدای مدافع حرم دیده می‌شود چراکه این عزیزان قبل از وقوع خطر در کشورمان، دست به جهاد زده‌اند تا هرگز جان یک ایرانی تهدید نشود. واقعاً خوشا به غیرت‌شان.

بازیگر سریال «کلاه پهلوی» با انتقاد شدید از برخی بیانات کنایه آمیز در خصوص اینکه رزمندگان مدافع حرم به خاطر پول به سوریه می‌روند، تأکید کرد: متأسفانه در دوران دفاع مقدس هم شاهد چنین تفکر بیهوده‌ای در برخی افراد بودیم و آن زمان هم به برخی از رزمندگان این تهمت روا می‌شد که به خاطر پول به جبهه‌ها می‌روند، در حالی که اصلاً این گونه نیست و هیچ فردی نمی‌تواند به خاطر پول از جان خود بگذرد مگر اینکه پای اعتقادات دینی و اسلامی به میان بیاید و هم رزمندگان دفاع مقدس و هم مدافعین حرم به خاطر اعتقادات خود پا در میدان جهاد گذاشته و می‌گذارند.

وی ادامه داد: مدافعین حرم برای حفظ ارزش‌ها و دفاع از ایران به سوریه رفته‌اند و حتی برخی که تازه صاحب فرزند شده بودند، با الگو گرفتن از شهدایی همچون شهید همت از آغوش گرفتن فرزند خود گذشتند و به میدان جهاد رفتند تا امنیت جامعه اسلامی ما حفظ شود. معتقدم سخن افرادی که شهدای مدافع حرم را با مادیات مقایسه می‌کنند، ارزشی ندارد و این حرف‌ها روی ملت شهیدپروری همچون ایران، هیچ تأثیری ندارد.

صدیق شریف در ادامه با اشاره به شهید مدافع حرم حسین همدانی گفت: شهید همدانی یکی از بزرگان عرصه دفاع مقدس و یکی از سرمایه‌های انقلاب اسلامی بود که نقش زیادی در سوریه ایفا کرد و یکی از الگوهای ارزشی برای ما محسوب می‌شوند و امیدوارم جوانان ما با الهام گرفتن از این شهید، راهش را ادامه دهند.

این بازیگر سینما و تلویزیون کشورمان ابراز داشت: تکریم مقام شهدا را کمترین وظیفه خود دانسته و به آن افتخار می‌کنیم چراکه به خانواده معظم شهدا مدیون هستیم و معتقدیم شهدای مدافع حرم درس‌آموختگان مکتب حسینی هستند و از واقعه ماندگار عاشورا درس ایثار و شهادت را آموختند.

وی در پایان خاطر نشان کرد: شهادت نصیب هر کسی نمی‌شود مگر اینکه انسان به حفظ ارزش‌های والای انسانی بیندیشد و نباید فراموش کرد که شهدای مدافع حرم برای دفاع حق از باطل و بدون هیچ چشمداشت مادی پا به میدان می‌گذارند.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۴۸۴۷

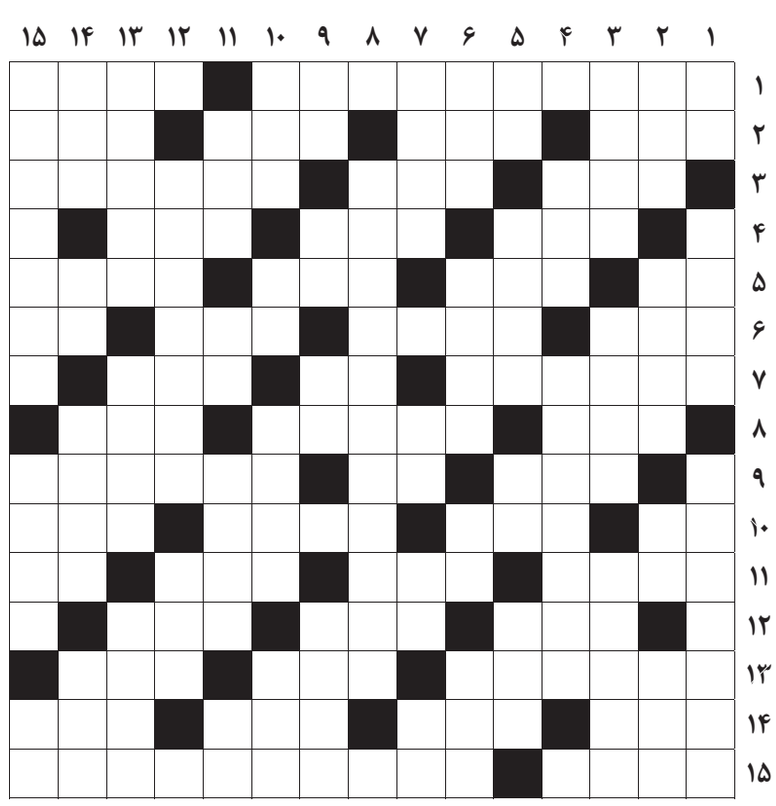

از راست به چپ

■ ۱-یا کریم العفو .../انتقام از ما مکش اندر ذنوب- تیزاب ■ ۲- تفریح و سیاحت- گروه ورزشی- میوه پرخاصیت- واحد شمارش احشام ■ ۳- بسته بندی استوانه ای- ته نشین مایعات- فقیر و بی چیز ■ ۴- از سدهای تأمین کننده آب تهران- دکان کوچک- عددی سه رقمی ■ ۵- بالای فرنگی- دهل- نمایشنامه‌نویس ایرلندی برنده نوبل ادبی ۱۹۶۹- راه فرار ■ ۶- نوعی قایق- قانون مغولی- سست و بطئی- سوی و طرف ■ ۷- سود بردن- فلز تمدن- کاپیتان بایرن مونیخ آلمان ■ ۸- مقدار انحراف از شمال مغناطیسی برحسب درجه- پیروان حضرت موسی- میدانی در تهران و شهری در جنوب ■ ۹- توانایی مالی- محکم کردن- خویشتنداری و پرهیز ■ ۱۰- مایه حیات- سوغات گجرات- آشنا و ماهر- یاردشت ■ ۱۱- مفصل پا- نوعی پخت برنج- مقدار معینی از دارو- سلطه و نفوذ ■ ۱۲- از منابع فقه- رسوب خاکسترهای آتشفشانی- آلت شالی کوبی ■ ۱۳- از شهرهای استان مرکزی- از حروف مقطعه قرآنی- شهری در نزدیکی کوه تفتان ■ ۱۴- سگال- گوسفند جنگی- نیستی و عدم- خزنده خوش خط و خال ■ ۱۵- زمزمه کردن- نوعی خورشت ایرانی که در استان‌های گیلان و مازندران پخت می‌شود

از بالا به پایین

■ ۱- حیوان باوفا- رشته کوهی در افغانستان- استفاده دوباره از مواد دورریختنی ■ ۲- توپ توخالی- از گربه سانان- آش- سپاسگزاری ■ ۳- جزیره مرجانی- قطار زیرزمینی- نامی دخترانه از یک گل ■ ۴- غلط گیر اداری- نوعی پارچه ■ ۵- اسب تبریزی- متضاد کابوس- عمو- از سازهای موسیقی ■ ۶- از هر دو طرف از سوره های قرآن است- پرافتخارترین ورزشکار المپیکی ایران- سخن بدون رودربایستی- خالص ■ ۷- نام شهید مغنیه- ترمز چهارپا- عید ویتنامی- ویتامین جدولی ■ ۸- کنایه از ضد و نقیض ■ ۹- وارونه سو- مزاحمت اینترنتی- آب بند- چاشنی تند ■ ۱۰- خانه شعری- حمله نظامی- واحدی در طول انگیسی- قربانگاه حاجیان ■ ۱۱- قیمت- برج کج- مجازاتی که اسلام به نص معین برای جرم تعیین کرده- سفید آذری ■ ۱۲- تذکره- چانه ■ ۱۳- فرمانده و سالار- گیاهی همیشه سبز و زینتی- هر یک از سلول‌های جنسی گیاهان و جانوران ■ ۱۴- ناامیدی- گل خوشبو- نوعی غذا- نویسنده بذله‌گوی ایرلندی ■ ۱۵- وسیله؛ بهانه- حی- بندگی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

				۳			۵	
	۵						۸	۳
			۶	۷				
					۴			۵
۶		۲						
		۷	۹				۴	۸
۲							۹	
				۸	۷	۴		
	۷	۶					۲	

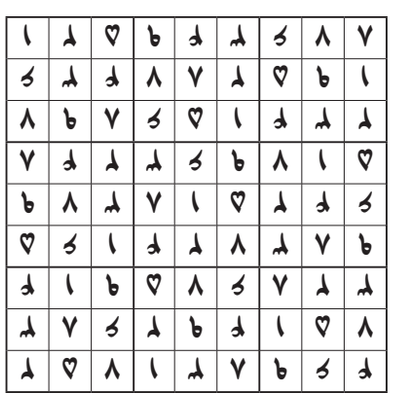

جدول کلمات متقاطع
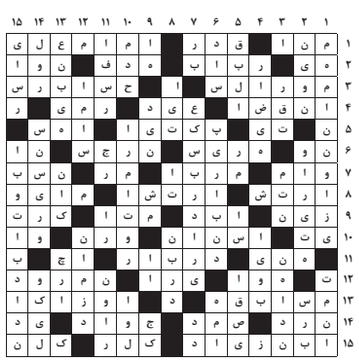
پاسخ جدول شماره ۴۸۴۶